

جرم مشهود و تکالیف ضابطان دادگستری در ارتباط با حقوق شهروندی متهم

مرصاد رجیبی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

حسین حبیبی تبار*^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲

محمود فیوم زاده^۳

چکیده

پلیس به عنوان ضابطان دادگستری از جمله مهمترین نهادهای کارگزار عدالت کیفری است که کارکرد اصلی اش حفظ نظم و تضمین امنیت داخلی کشور می‌باشد. چراکه اولین و بیشترین تلافی سیستم عدالت کیفری با شهروندان و حقوق و آزادی های آنها و خصوصاً شخص متهم به واسطه این نهاد صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه ضابطان دادگستری رابطه ای مستقیم با حقوق افراد درگیر پدیده مجرمانه بویژه در ارتباط با جرایم مشهود دارند، دارای وظایف مهم و قابل ملاحظه ای نسبت به آنها می باشد که این مهم در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ به نحو قابل قبولی مورد توجه و تصریح قانونگذار قرار گرفته است. از جمله وظایف و تکالیف ضابطان دادگستری لزوم توجه و احترام به حقوق شهروندی اشخاص به عنوان حق انسانی و حقوق بشری در مدیریت پرونده کیفری می باشد. خطیرترین تکالیف ضابطین دادگستری در خصوص حفظ و تضمین حقوق شهروندی نسبت به شخص متهم می باشد که شامل صیانت از کرامت انسانی متهم و ممنوعیت هر گونه شکنجه و اعمال اهانت آمیز، حق مصونیت متهم از سلب بدون دلیل آزادی، حق اطلاع متهم از موضوع و دلایل اتهام، حق سکوت و حق بهره مندی از وکیل مدافع می باشد که موضوع بررسی این پژوهش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ضابطین دادگستری، متهم، جرائم مشهود، حقوق شهروندی.

^۱ گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، گروه حقوق

^{۲*} گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، گروه حقوق (نویسنده مسئول)

^۳ گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، گروه حقوق

حقوق کیفری و علل الخصوص آیین دادرسی کیفری و قواعد و مقررات مرتبط با آن صحنه جدال بین حقوق و آزادی‌های فردی از یک سو و تأمین نظم و امنیت عمومی از سوی دیگر است (توجهی و دهقانی، ۱۳۹۲، ص ۷). در دادرسی‌های کیفری یک طرف دعوا، دولت یا حاکمیت و در طرف دیگر، شهروندی به عنوان متهم است و در عرصه دادرسی کیفری تقابل دولت و شهروندان و تضارب منافع آنها قابل توجه می باشد فلذا هنر و فن عدالت کیفری، تعادل بخشی میان دو رسالت اصلی خود در قبال شهروندان است: تضمین عادلانه حقوق شهروندی در برخورداری از امنیت فراگیر در برابر مجرمان از یک سو و تضمین واقعی حقوق انسانی و دفاعی شهروندان (حقوق متهم) در مقابل کنش‌گران و نهادهای عدالت کیفری از سوی دیگر (آقای جنت مکان، ۱۳۹۶، ص ۱۲). بنابراین، ضابطه‌مند کردن مداخله نهادها و کنش‌گران عدالت کیفری، به این دلیل که به بهانه مبارزه با جرم بتوانند حقوق و آزادی‌های مردم و خصوصاً حقوق مظنون، متهم و مجرم را با اقدامات خودسرانه خود، نقض کنند، نقطه عطفی در تحولات کیفری محسوب می گردد. این تضمین‌ها، یکی از حقوق بنیادین و اساسی بشر به شمار می آیند که با هدف حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد درگیر در فرآیند دادرسی شکل گرفته است.

جامعه بدون نظم فاقد امنیت و نبود امنیت حاکی از عدم وجود نظام اجتماعی سازمان یافته، مقتدر و مسلط بر اوضاع می باشد. امنیت ملی و نظم اجتماعی محقق نمی گردد مگر آنکه افراد جامعه با آگاهی کامل از حدود آزادی‌ها و ممنوعیت‌های قانونی و میزان و نحوه اعمال مجازات‌ها برای رعایت رژیم قانونی بودن حقوق کیفری و صیانت مصالح فردی و اجتماعی، سازمانی متشکل از نیروی انسانی ورزیده و مجرب و آشنا به حقوق فرد و جامعه به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی ایجاد نمایند. چراکه، جامعه‌ای که فاقد نیروی کنترل‌کننده بوده طبعاً نمی تواند امنیت و آسایش شهروندان را پاسداری نماید. از سویی نظم اجتماعی اقتضا می نماید که نیروی برای کنترل آن وجود داشته باشد. لذا، تنها قوانین و مقررات و به طور کلی قوه تقنینی نیست که با وضع قوانین، نظم اجتماعی را به ارمغان می آورد بلکه، بایستی نیروی برای کنترل نظم وجود گماشته گردد. بنابراین، ضابطین ابزاری در جهت اجرای قانون می باشند که هرگاه خطری نظم و امنیت جامعه را تهدید نماید، بعنوان ابزاری کارآمد و مطلوب مجازات مورد نظر قانونگذار را اعمال نموده و برای متجاوزین ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده را به مرحله اجرا

درآورد(کرمانی،،۱۳۹۴،ص۵۶). در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ که در خصوص تدوین آن قانون آیین دادرسی فرانسه مورد توجه و استفاده قرار گرفته است، قواعد و مقررات خاصی در خصوص ضابطین دادگستری و تکالیف آنها مقرر و پیش بینی گردیده است. در قانون مذکور علرغم اینکه در خصوص ضابط محسوب گردیدن ماموران نظامی و انتظامی مقررات خاص و ویژه ای پیش بینی گردیده است، وظایف و تکالیف ضابطان و حدود اختیارات آنها در جرایم مشهود، اعتبار اقدامات آنها در آن جرایم پس از حضور مقام قضایی، تفکیک وظایف اداری از وظایف قضایی ضابطین، ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهمان یا مظنونان از سوی مرجع قضایی و ضابطان دادگستری در تمام امور کیفری و پیش بینی ضمانت اجرای عدم اطلاع حقوق متهمان یا مظنونان ، از جمله مواردی می باشد که مورد توجه و مذاقه تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری قرار گرفته است. که در پژوهش حاضر به تبیین جرم مشهود و تکالیف ضابطین دادگستری در ارتباط با حقوق شهروندی متهم بر مبنای قانون آیین دادرسی کیفری پرداخته خواهد شد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- ضابطین دادگستری

ضابط لفظ عربی از ریشه ضبط می باشد و درمعانی مختلفی ازجمله حفظ کننده، حاکم، قاید، قوی، مرد باهوش ضابط بکار می رود(عمید،۱۳۸۲،ص۸۳). معادل این واژه در فرهنگ لاتین Bailiff به معنی ضابط، مامور اجرایی امینی صالح، ناظر و نگهبان دژهای سلطنتی، مامور اجرا دادگاه بخش، معاون کلانتر است. نظر به اینکه ضابطان دادگستری بازوی اجرایی دادرسی و دادگاهها در انجام وظایفشان محسوب می شوند، در مفهوم اصطلاحی ضابطین دادگستری یا پلیس قضایی مامورینی می باشند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان یا سایر مراجع قضایی در کشف و تحقیق مقدماتی جرم ، حفظ آثار دلایل آن و جلوگیری از فرار و اختفای متهم به موجب مقررات قانون عمل می نمایند(آخوندی،۱۳۶۸، ص۱۳). ماده ۲۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ به تعریف ضابطان دادگستری پرداخته و آنها را مامورانی قلمداد نموده که به موجب قانون و تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم ، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی ، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم ، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی عمل می نمایند.

در تعاریفی که از ضابطین دادگستری طرح گردید این مهم قابل توجه است که شاخص اول در شناخت ضابطان در تعاریف بیان شده مأمور بودن ضابط است. یعنی ضابط کسی است که برای کار منصوب شده باشد که در این امر نقش فرمانبری را ضابطان و نقش فرماندهی را مقام قضایی ایفا می نمایند البته فرماندهی نه معنای فرماندهی در طول سلسله مراتب بلکه فرماندهی در عرض اقدامات قانونی و وظایف ضابطیت و تحت نظارت مقام قضایی است. که در این وهله تعریف کوتاهی از دادگستری در تکمیل این مباحث با توجه به اتصال عبارت به ضابط مطرح گردد شود: " دادگستری به بیان ساده به معنای گسترش دهنده داد و عدل و در لغت نیز به معنای اجرای عدالت (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ص ۲۷۹)، و در این اصطلاح اگر چه تمام تشکیلات قوه قضاییه که در اجرای عدالت نقش دارند مشمول عنوان دادگستری به معنای عام کلمه می گردند ولی دادگستری به معنای خاص کلمه و آنچه در قانون مود نظر می باشد شامل دادگاههای عمومی و انقلاب، تجدید نظر استان و تشکیلات مرتبط با آنها می شود.

۲-۱- انواع ضابطین دادگستری

ضابطین دادگستری و پلیس به عنوان رکن رکن نظام عدالت کیفری و دادرسی منصفانه نقش مهم و قابل توجهی در حفظ و صیانت از حقوق فردی و اجتماعی و تحقق عدالت کیفری ایفا می کنند و تقسیم بندی آنان از الزامات انکار ناپذیر دستگاه عدالت کیفری می باشد. با توجه به تعریفی که از ضابطان دادگستری ارائه گردید، در یک تقسیم بندی ضابطان دادگستری به دودسته ضابطین عام و دیگری ضابطین خاص از همدیگر متمایز و قابل تفکیک می باشند. حدود اختیارات ضابطین دادگستری در جرائم مشهود و غیر مشهود با همدیگر متفاوت بوده و به لحاظ عدم وجود صراحت قانونی برخی اوقات در حدود وظایف تداخل به وجود می آید، فلذا مشخص نمودن محدوده اختیارات ضابطین در این دودسته از جرائم به منظور جلوگیری از تداخل و بالتبع تخلف، از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. علرغم تقسیم بندی ضابطین دادگستری از حیث صلاحیت (عام و خاص) تعیین اینکه ضابطین دادگستری شامل چه اشخاص و افرادی می گردد، آنچه قابل توجه است و از اهمیت شایانی برخوردار می باشد این موضوع است که این مقام توسط مقنن به چه کسانی اعطا می گردد. چراکه وفق اصل قانونی بودن آئین دادرسی کیفری نظر به اهمیتی که تعیین و مشخص گردیدن ضابطان در حفظ حقوق شهروندی افراد دارند، ضروری می باشد که قانون گذار نسبت به احصاء حصری و دقیق ضابطین دادگستری اقدام نموده و در این خصوص باید بیان داشت که اولاً قانون بایستی

مشخص نماید که چه سازمانها و نهادهایی ضابط محسوب می گردند. ثانیاً، تعیین نهادهای ضابط شرط لازم است ولی کافی نمی باشد و مصادیق آن ها نیز باید مشخص و تبیین شود که در یک سازمان چه افرادی و با چه شرایطی ضابط دادگستری قلمداد می گردند، چون اگر سازمان مشخص گردد، افراد ضابط آن مشخص نمی باشد، لذا تسری دادن همه افراد یک سازمان مثل آشپز و افسرنگهبان و نیروی خدماتی و اداری آن به عنوان ضابط دادگستری، برخلاف اصول مسلم حرفه ای و تخصصی و امور پلیسی است.. این نگرش از ابتکارات قانون جدید آیین دادرسی کیفری است که مقام ضابط دادگستری را یک مقام اکتسابی قلمداد می نماید. بنا براین می بایست جهت گیری قانون گذار بر این امر استوار گردد که در تقسیم بندی ضابطین دادگستری، افراد متخصص، امین و با تجربه را به صورت محدود به عنوان ضابط دادگستری تعیین کند، چراکه بدین سبب از اقدام خودسرانه سایر مأمورین دولت جلوگیری می گردد که این مهم در ماده ۳۰ ق آ د ک مورد تصریح قرار گرفته است. این ماده مقرر می دارد «احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن، منوط به فراگیری مهارتهای لازم با گذراندن دوره های آموزشی زیرنظر مرجع قضایی ذیربط و دریافت کارت ویژه ضابطین دادگستری می باشد. تحقیقات و اقدامات بعمل آمده از سوی اشخاص فاقد کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار می باشد».

۱-۲-۱- ضابطین عام

ضابطان عام به مأمورانی اطلاق می گردد که صلاحیت عام دخالت در مورد هر جرمی را داشته و وظایف و اختیارات آنها به جرایم معین و یا شرایط خاصی محدود نمی گردد (خالقی، ۱۳۹۸، ص ۶۵). به تعبیری مأمورانی هستند که صلاحیت اقدام درباره کلیه جرائم را دارا می باشند غیر از آنچه که قانون ممنوع نموده است کرده باشد؛ مانند نیروی انتظامی و پلیس. وفق بند الف ماده ۲۹ ق آ د ک «ضابطین عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را گذرانده باشد می گردد».

۱-۲-۲- ضابطین خاص

ضابطین خاص به مأمورینی اطلاق می گردد که صلاحیت مداخله آنها محدود به جرایم خاص و یا شرایط معینی می باشد که در خصوص غیر از آن جرایم و یا بدون تحقق آن شرایط خاص، از حق هر گونه مداخله و اقدام محروم می باشند (خالقی، ۱۳۹۸، ص ۶۵). به تعبیر دیگر، ضابطین خاص با توجه به امکانات محدود آنها در محدوده وظایف محوله

ضابط محسوب می‌گردند مانند مأمورین شکاربانی که فقط از لحاظ کشف و تعقیب جرائم موضوع قانون شکار و صید ضابط دادگستری قلمداد می‌گردند. وفق بند ب ماده ۲۹ ق آ د ک «ضابطین خاص مقامات و مأمورانی هستند که به موجب قوانین خاص و در حدود وظایف محول شده به آنها ضابط دادگستری محسوب می‌گردند از قبیل رؤساء معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول گردد». نظر به ملاحظه موارد قید شده در بند ب، مشخص و بدین نحو برداشت می‌شود که مأمورین مذکور در این بند حصری نبوده و تمثیلی است و بنابراین هر شخص و مقامی که در قوانین خاص توسط مقنن مقام ضابطیت به او اعطا گردد با رعایت قواعد و مقررات عمومی ضابطین و داشتن شرایط مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، ضابط خاص قلمداد می‌شود.

۳-۱- جرم مشهود

در هیچ یک از قوانین آیین دادرسی کیفری ایران اعم از قانون ۱۲۹۰ و ۱۳۷۸ و ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴، همانند قوانین آیین دادرسی کیفری فرانسه و چین و مقررات دادرسی کیفری انگلستان (خانلری المشیری، ۱۳۹۱، صص ۹۴-۱۰۰) تعریف خاصی از جرایم مشهود بیان نگردیده است و صرفاً مصادیق جرم مشهود مورد تصریح قرار گرفته است. در تعریفی جرم مشهود جرمی می‌باشد که اندکی پس از وقوع جرم کشف و آثار و علائم جرم هم قابل مشاهده و رویت باشد (صانعی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۷). در تعریفی دیگر، جرمی می‌باشد که مرتکب در حین ارتکاب جرم دستگیر و دلایل جرم قابل جمع آوری باشد (گلدوزیان، ۱۳۷۷، ص ۲۱۹). از نظر برخی از حقوق دانان نیز، جرم مشهود جرمی است که مرتکب حین یا بلافاصله پس از ارتکاب جرم به طوری که بعد از ارتکاب از سوی مأموران قابل کشف و جمع آوری باشد، دستگیر گردد (باهری، ۱۳۸۱، ص ۱۹۱). در حقوق فرانسه نیز زمانی که جرم در حال انجام بوده و یا مدت کوتاهی از زمان ارتکاب آن سپری شده باشد و یا هنگامیکه مظنون به ارتکاب جرم مورد تعقیب مردم قرار گرفته و یا دلایل و اسباب ارتکاب جرم در ید مظنون بوده و یا قراین و اماراتی مبنی بر دخالت مظنون در ارتکاب جرم وجود داشته و یا جرم در خانه و محل سکونت شخصی رخ داده و اشخاص حاضر در آن محل از پلیس برای بررسی صحنه جرم درخواست نمایند، این موارد در شمول جرم مشهود قرار می‌گیرد (لاریگه، ۱۳۷۸، ص ۶۶).

در قانون آ د ک ۱۳۹۲ ، قانونگذار در ماده ۴۵ به ذکر مصادیق جرم مشهود در ۷ بند به صورت حصری اشاره گردیده است. این ماده مقرر داشته (جرم در موارد زیر مشهود می باشد: ۱-جرم درمرئی و منظر ضابطان دادگستری ارتکاب یابد یا ماموران یاد شده بلافاصله در محل وقوع جرم حاضر شده و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده نمایند. ۲-بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم هستند حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن شخص معینی را بعنوان مرتکب معرفی نمایند. ۳-بلافاصله پس از وقوع جرم ، علایم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت گردیده یا تعلق اسباب ادله یاد شده به متهم محرز شود. ۴-بلافاصله پس از وقوع جرم متهم قصد فرار نموده یا در حال فرار و یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیری گردد. ۵-جرم ارتكابی در منزل یا محل سکناى افراد رخ داده یا در حال وقوع بوده و شخص ساکن در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم ، ورود ماموران را به منزل یا محل سکناى خود درخواست نماید. ۶-بلافاصله پس از وقوع جرم متهم خود را معرفی نموده و وقوع آن را اطلاع دهد. ۷-متهم ولگرد بوده و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.

بنا به ملاحظه تعاریف ذکر شده و مصادیق مقرر در قانون در خصوص جرم مشهود، دارای مولفه هایی است که آن را از جرم غیر مشهود متمایز می سازد. اولاً، جمع آوری ادله و رسیدگی به جرم ارتكابی با توجه به اینکه در مرعی و منظر عموم صورت گرفته است به مراتب آسان تر و به سهولت صورت می گیرد. ثانیاً، نظر به وجود دلایل انتساب جرم به متهم و وجود آلات و ادوات جرم فرآیند رسیدگی به جرم به سرعت صورت گرفته و مانع از اشتباهات قضایی به صورت اشکار می گردد. ثالثاً، در جرایم مشهود با توجه به اینکه افراد یا ضابطین در محل ارتكاب جرم حضور داشته یا متهم بلافاصله و یا در حال فرار شناسایی و دستگیر گردیده است، مرحله کشف جرم به معنی اخص کلمه وجود ندارد.

۱-۳-۱- جرم مشهود واقعی

جرم مشهود واقعی که با معنی لغوی جرم مشهود هماهنگی و سازگاری دارد زمانی است که جرم ارتكابی درمرئی و منظر ضابطان دادگستری به وقوع پیوسته یا ماموران فوراً در محلی که جرم در آن رخ داده حاضر شده و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع و ارتكاب آن مشاهده نمایند که این موارد در بند الف ماده ۴۵ ق آ د ک فوق الاشعار مورد تصریح و تاکید قانونگذار قرار گرفته است. در واقع مصداق اجلای جرم مشهود مورد نظر قانونگذار اشاره به رفتار

مجرمانه ای می نماید که در پیش چشم و نظر ضابطین دادگستری ارتکاب یافته است و ضابطین شاهد ارتکاب آن باشند.

۲-۳-۱- جرم مشهود فرضی (حکمی)

در مواردی ارتکاب جرم در منظر ضابطین دادگستری به وقوع نپیوسته است و ضابطین و یا حتی اشخاص عادی شاهد ارتکاب جرم نبوده اند ولی قانونگذار به جهت وضعیت خاص نحوه ارتکاب آنها، این موارد را داخل در شمول جرم مشهود فرضی قرار می دهد. در این موارد با توجه به قراین و ادله اثباتی مادی و با براهین عقلی که ظن قوی بر انتساب عمل مجرمانه به شخص مجرم را میسر می کند احراز جرم صورت می گیرد. که بند های ب و پ و ت و ث و ج و چ ماده ۴۵ ق آ د ک فوق الاشعار همگی در زمره مصادیق جرم مشهود فرضی (حکمی) قرار می گیرد.

۲- حقوق شهروندی و تکالیف ضابطین دادگستری نسبت به آن

شروع و تشکیل پرونده های کیفری معمولاً توسط ضابطین دادگستری صورت می گیرد و اولین مواجهه مرتکب و مظنون جرم ارتكابی با پلیس و ضابطین دادگستری است. در واقع پلیس و ضابطان دادگستری که به عنوان بازوی اصلی دستگاه قضایی ایفای نقش می نمایند در هنگام رویارویی با جرایم ارتكابی و با توجه به تعامل و ارتباطی که با شهروندان اعم از مرتکب جرم، بزه دیده و دیگر اصحاب مداخله گر در پدیده مجرمانه دارند می بایستی در انجام وظایف محوله و در برخورد با جرم ارتكابی و مجرم و در تحصیل ادله اثباتی له و علیه مظنون به جرم با علم و اطلاع از قوانین و مقررات مربوطه و توجه و رعایت حقوق و آزادی های اشخاص و حفظ حقوق شهروندی اقدام نمایند. لذا حقوق شهروندی که تعبیری از حقوق انسان و حقوق بشر به ما هو انسان است می بایست از سوی ضابطان دادگستری در زمان مواجهه با جرایم مشهود مورد توجه و مذاقه قرار گرفته و از هر گونه تعدی و تجاوز نسبت به آن مصون و در امان باشد که این مهم در قوانین اساسی و قوانین کیفری کشور ها مورد تاکید و تصریح قرار گرفته است. در سیاست تقنینی ایران علرغم به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های اساسی و بنیادین اشخاص در قانون اساسی و دیگر قوانین حقوقی و کیفری در سال ۱۳۸۳ لزوم احترام به آزادی های مشروع افراد و حفظ حقوق شهروندی در قالب ماده واحده و در ۱۵ بند مورد تاکید موکد قانونگذار قرار گرفته است. لزوم توجه و صیانت از حقوق و آزادی های بنیادین بشری تا بدان حد است که مورد تاکید اسناد و کنوانسیون های بین المللی و منطقه ای

قرارگرفته و در کشور ایران نیز در سال ۱۳۹۵ از سوی رئیس جمهور وقت این حقوق و آزادی های بشری و در قالب منشور حقوق شهروندی مورد توجه و اعلام گردیده است. در ماده ۷ ق آ د ک ۱۳۹۲ و در بخش اول-کلیات به نحو صریح قید گردیده است که «در همه مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی تصریح شده در «قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» برای کلیه مقامات قضائی، ضابطین دادگستری و دیگر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله می نمایند، الزامی می باشد». بنابراین در فرآیند کیفری که با ارتکاب جرم از سوی مرتکب شروع و آغاز می گردد دو حق جامعه و بزه دیده جرم از سویی و حق مظنون و متهم جرم از سوی دیگر در برابر یکدیگر قرار گرفته که می بایستی حقوق طرفین درگیر پرونده کیفری و علل الخصوص حقوق شهروندی متهم که مظنون به ارتکاب جرم است و انتساب جرم به شخص او هنوز محرز نگردیده است، از سوی کارگزاران کیفری و بویژه ضابطین دادگستری در جرایم مشهود مورد توجه و احترام قرار گیرد.

۱-۲- کرامت انسانی متهم و ممنوعیت هر گونه شکنجه و اعمال اهانت آمیز

شکنجه و هرگونه رفتار غیرانسانی نسبت به شخص متهم از موارد نقض حقوق بشر و منافی با حیثیت و کرامت انسانی او می باشد که در اسناد و کنوانسیون های جهانی و منطقه ای حقوق بشر و حقوق داخلی کشورها مورد توجه قرار گرفته است. انسان ها به ما هو انسان و صرف نظر از ویژگی ها و خصوصیات ظاهری، اخلاقی، مذهبی، نژادی و ... از منزلت و جایگاه والا و برجسته ای برخوردار بوده و رعایت حیثیت و کرامت انسانی اش اقتضاء می نماید که در کلیه مراحل فرآیند کیفری و علل الخصوص در زمان ارتکاب جرم و شروع فرآیند کیفری با او متناسب با شأن و منزلت رفتار گردد و از هرگونه اعمال خلاف حیثیت او اجتناب و پرهیز گردد. شکنجه و اعمال هرگونه رفتار و اعمال غیرانسانی نسبت به متهم، از آن جهت که مخالف کرامت انسانی است ممنوع و قابل برخورد و سرکوب و قابل حمایت از سوی سیاستگذاران جنایی و دست اندرکاران عدالت کیفری می باشد تا در جهت تحقق عدالت به معنای واقعی و حقیقی آن گام برداشته شود. در واقع با توجه به منزلت و کرامت انسان ها و نظر به این که اشخاص از آزادی برخوردار می باشند، هیچ کس نمی تواند این آزادی او را اعم از جسمی و روحی و غیر سلب نماید. شکنجه موجب نقض کرامت انسان و نقض حقوق بشر می گردد، چراکه شکنجه نوعی خشونت محسوب می گردد. براین اساس، قائلین به ممنوعیت مطلق شکنجه، با توجه به کرامت و شرافت انسانی، توسل به هرگونه شکنجه را حتی

در شرایط اضطراری نفی و ممنوع می‌دانند، هر چند به منظور حفظ امنیت کشور و یا مصالح عمومی کشور باشد (Durosaro, ۲۰۱۴. P.۹۳) با این حال در زمان حاضر نیز توسل به شکنجه از سوی ضابطین و پلیس در برخی کشورها از جمله ابزار و شیوه‌ای متداول در کار پلیس می‌باشد. برای نمونه در حقوق کیفری عراق توسل به زور و شکنجه در رابطه با متهم در حال فرار به شرطی که اقدامات صورت گرفته منجر به مرگ متهم نشود، طبق ماده ۱۰۸ قانون اصول محاکمات جزایی پیش بینی گردیده است (علی آل شکر، ۱۳۹۶، ص ۱۳۵). در نظام حقوقی کره شمالی، پلیس نقش مهمی در خصوص احراز مجرمیت متهم در جرایم عادی و سیاسی دارد، و در احراز چنین موضوعی از شکنجه متهمان به منظور اخذ اقرار استفاده می‌کند (مین یون وو، ۱۳۹۰، ص ۲۱۱) در حقوق کیفری ایران، وفق اصل ۳۸ قانون اساسی و بندهای ۶، ۷ و ۹ قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی مواد ۷ و ۱۹۵ ق آ د ک ۱۳۹۲، ممنوعیت هر گونه شکنجه متهمان مورد تاکید قرار گرفته و تخلف از آن بویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، ضمانت اجرای کیفری مقرر در ماده ۵۷۸ ق م ا ۱۳۷۵ (تعزیرات) را به دنبال دارد، که همگی موید این موضوع می‌باشد که ضابطان دادگستری و سایر دست اندرکاران عدالت کیفری از توسل به هر گونه شکنجه و رفتار و اقدامات برخلاف کرامت انسانی مطلق و متهم به ارتکاب جرم ممنوع می‌باشند. از طرفی ماده ۶۰ ق آ د ک هر گونه اجبار یا اکراه متهم در جریان بازجویی تحقیقات مقدماتی از سوی پلیس ممنوع گردیده و نمی‌توانند در حین بازجویی از عبارات مبهم و کلمات موهن و پرسش‌های تلقینی و یا اغفال کننده یا بی ارتباط با موضوع اتهام استفاده نمایند.

۲-۲- حق مصونیت از سلب بدون دلیل آزادی

از جمله حقوق شهروندی حق بر آزادی می‌باشد. اصل بر آزادی افراد در فرآیند دادرسی کیفری به عنوان یک حق اساسی و بنیادین می‌باشد که چه در سطح ملی و در سیاست تقنینی کشورها و چه در سطح بین‌المللی و در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و جهانی مورد پذیرش قرار گرفته است. اهمیت آزادی به عنوان یک حق از آن جهت است که موضوع مواد ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱، ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ و ماده ۶ کنوانسیون

^۱- ماده ۳ «هرکس از حق زندگی و آزادی و امنیت شخصی برخوردار می‌باشد»
^۲- ماده ۹ «:هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد»

اروپایی حقوق بشر^۳ قرار گرفته و در آن مقررات به صراحت مورد پذیرش و تأکید قرار گرفته است. در جرایم مشهود از جمله حقوق متهم، حق بر آزادی و امنیت و مصونیت در برابر سلب آن از طریق هرگونه دستگیری و بازداشت است. بر این اساس، آزادی متهم یک اصل است که پایه و اساس کلیه حقوق و آزادی‌های بنیادین فردی متهم، مبتنی بر آن می‌باشد و بدین منظور تضمین‌هایی با تنظیم و تصویب مقررات قانونی و در جهت صیانت از اصل آزادی اشخاص مقرر گردیده است. لذا هرگونه تحدید و موارد مجاز سلب این حق می‌بایستی به صورت استثنایی و محدود و از رهگذر قانون و با تعیین شرایط و ضوابط دقیق آن در متون قانونی و بر اساس دلایل توجیهی بوده و خودسرانه نباشد (هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۸). بنابراین اولاً، هرگونه محدودیت و سلب متهم از آن حق به صورت محدود و استثنائی مورد پذیرش است و ثانیاً، در صورت پیش‌بینی سلب حق آن به صورت خلاف اصل، باید شرایط و نحوه اعمال مجاز آن بنو کامل و بدون هرگونه ابهامی که موجب برداشت و تفسیر موسع از آن شود، به صورت قانونی و ضابطه‌مند قید گردد.

در حقوق ایران اصل آزادی و برائت و لزوم موجه بودن بازداشت متهم از سوی قانونگذار اصول ۳۲ و ۳۷ قانون اساسی^۴ و بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی^۵ و ماده ۴ و ۴۶ ق آ د ک^۶ مورد توجه قرار گرفته و بدان تصریح شده است. و ضابطین دادگستری مکلف هستند در اقداماتشان در جرایم

^۳- ماده ۶ «هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد»

^۴ - اصل ۳۲ «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». اصل ۳۷ «صل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

^۵ - اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند

^۶ - ماده ۴ «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند». ماده ۴۶ «ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند».

مشهود اصل را بر آزادی و براءت اشخاص قرار داده و فقط در محدوده مقرر قانونی اقدام به سلب آزادی اشخاص بنمایند.

۲-۳- حق اطلاع متهم از موضوع و دلایل اتهام

حق اطلاع متهم از موضوع و دلایل اتهامی از جمله حقوق شهروندی است که زیرمجموعه یک حق کلی تر تحت عنوان حق بر اطلاعات قرار می‌گیرد. این حق به معنای حق دسترسی شهروندان به اطلاعات موجود در مؤسسات حکومتی به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر است، که مورد تأکید و توجه اسناد بین‌المللی قرار گرفته است (ساریخانی، و اکرمی سراب، ۱۳۹۱، صص ۷۰-۳۶). در فرآیند رسیدگی کیفری فراهم نمودن شرایط و تسهیلات کافی در خصوص آمادگی متهم در جهت دفاع از خودش، مستلزم پیش‌بینی و به رسمیت شناخته شدن حق دسترسی متهم به اطلاعات حقوقی و قضایی و حقایق حاکم به پرونده کیفری است. حق مذکور در برگیرنده جلوه ای عام در قالب حق بر تفهیم حقوق و جلوه ای خاص از قبیل حق بر تفهیم اتهام و ادله آن، حق بهره‌مندی از مشاوره وکیل است (قاسمی مقدم، ۱۳۹۴، ص ۱۳۱). معنای تفهیم اتهام منعکس کننده حق اطلاع متهم از موضوع و دلایل اتهامی و متضمن مدلل بودن اتهام است (اردبیلی، ۱۳۸۵، ص ۶۲) پس از تفهیم اتهام به شخص، آن فرد متهم قلمداد و از حقوق دفاعی بهره مند می‌شود. فلذا ضرورت تفهیم اتهام، مستلزم اطلاع کامل متهم از موضوع اتهامی و ماهیت عمل مجرمانه و دلایل اتهامی است تا متهم بتواند بر اساس آن، خود را برای دفاع و تدارک آن آماده کند (آشوری و بهمنی، ۱۳۸۷، ص ۹).

وفق ماده ۲۸ قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴ انگلستان، انجام هرگونه دستگیری اشخاص منوط به این مهم است که به فرد مورد نظر اطلاع گردد که در بازداشت پلیس قرار گرفته و دلیل بازداشت نیز باید به او اعلام شود. در واقع به موجب ماده ۲۸ قانون مزبور، هیچ دستگیری قانونی نیست مگر این که هنگام دستگیری یا در اسرع وقت، شخص از دلایل دستگیری مطلع شود. مستند به ماده ۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز «هر شخص تحت بازداشت بایستی فوراً از سوی افسر پلیس قضایی یا تحت نظر نظارت او توسط مامور پلیس قضایی از ماهیت جرمی که بر روی آن تحقیق صورت می‌گیرد، مطلع شود». در حقوق ایران ضابطان دادگستری وفق مواد ۵ و ۴۶ ق آ د ک بایستی در جرایم مشهود موضوع اتهام و ادله اثبات اتهام را به متهم تفهیم نمایند. ماده ۵ مشعر می‌دارد «متهم بایستی

در اسرع وقت، از موضوع وادله اتهام انتسابی اطلاع و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند گردد». ماده ۴۶ نیز مقرر می دارد «چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را فوراً و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم نمایند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند».

۴-۲-حق سکوت

حق سکوت یا حق عدم اعتراف به جرم یکی از جلوه‌های حقوق دفاعی متهم است که در اسناد بین‌المللی و جهانی و مقررات دادرسی کیفری کشورها در سطح ملی و داخلی و در مراحل مختلف دادرسی کیفری مورد توجه و تاکید واقع گردیده است. حق سکوت بیانگر این موضوع است که متهم حق دارد و می‌تواند در خلال روند رسیدگی کیفری و در مقابل تمام سؤالات مطروحه از سوی مقام تحقیق (اعم از مقام قضایی و یا حتی پلیس) سکوت نماید، بدون آنکه تحت شکنجه و یا هرگونه فشار و اجبار قرار گیرد و اختیار کردن سکوت از سوی او دلیل یا اماره مجرمیت قلمداد نمی‌گردد. حق بر سکوت دو جنبه دارد: از یک سو، برای متهمان در فرآیند دادرسی کیفری حق محسوب می‌گردد، و از سوی دیگر، برای مقامات تحقیق کننده موجب تکلیف است (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۶، ص ۱۷۲) یعنی نه تنها متهم حق دارد که در برابر سؤالات و پرسش‌های ضابطین دادگستری و مقامات قضایی سکوت کند، بلکه مقامات مذکور در فرآیند رسیدگی کیفری می‌بایستی سکوت متهم را به رسمیت شناخته و برای آن احترام قائل شوند.

اصل براءت یا فرض بی گناهی و کرامت انسانی متهم از جمله مبانی این حق محسوب می‌گردند. حق سکوت متهم در مقابل دادستان و سایر دست‌انکاران عدالت کیفری، تضمینی در جهت صیانت از اصل براءت می‌باشد و عدم پیش‌بینی حق سکوت به عنوان یکی از حقوق متهم و سلب آن در فرآیند رسیدگی کیفری موجب تعرض به اصل براءت می‌شود. از طرفی متهم به جهت دارا بودن کرامت و حیثیت به عنوان یک شخص انسانی مختار است در مقابل هرگونه سؤال و جواب از سوی مقامات قضایی و پلیسی در روند رسیدگی کیفری سکوت نماید و نمی‌توان او را مجبور و وادار به پاسخگویی کرد، چرا که در این صورت کرامت و حیثیت انسانی او مورد تعرض قرار می‌گیرد. از جمله آثار پیش‌بینی حق سکوت، محدودیت و ممنوعیت مقامات قضایی و پلیس که در امر تحقیقات مداخله دارند، در توسل به اجبار و زور و فشار علیه متهم در خصوص الزام به پاسخگویی به سؤالات مطروحه آنها و شکستن

سکوت است. و در صورت پذیرش حق سکوت برای متهم به عنوان یکی از حقوق دفاعی، عدم پاسخگویی او در برابر مقامات مورد سؤال اعم از مقام قضایی و ضابطین دادگستری، دلیل یا اماره مجرمیت در ارتکاب جرم از سوی متهم قلمداد نمی شود.

در حقوق کیفری ایران حق سکوت متهم و لزوم اطلاع رسانی این حق به او از سوی مقامات قضایی و پلیس، تا قبل از لازم الاجرا شدن ق آ د ک ۱۳۹۲، مورد توجه قانونگذار کیفری قرار نگرفته بود. تا این که به موجب ماده ۵ قانون فوق الذکر^۷، از جمله حقوق دفاعی متهم در فرآیند رسیدگی کیفری که در این قانون به رسمیت شناخته شده است، حق سکوت و لزوم مطلع ساختن متهم از آن است. بر این اساس بود که ضرورت محترم شمردن حق سکوت متهم به موجب ماده ۱۹۷ همان قانون^۸، مورد توجه قرار گرفته است. تکلیف تفهیم حق سکوت به عنوان یکی از حقوق مورد تصریح در ق آ د ک برای شخص متهم از سوی ضابطین دادگستری در ماده ۵۲ همان قانون قید گردیده است. ماده ۵۲ مقرر می دارد «هرگاه متهم از سوی ضابطین دادگستری تحت نظر قرار گرفت، مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار او قرار داده و رسید دریافت و ضمیمه پرونده نمایند».

۵-۲- حق بهره مندی از وکیل

حق برخورداری از وکیل که از حقوق شهروندی متهم در فرآیند دادرسی کیفری می باشد از مهمترین شرایط فرآیند دادرسی عادلانه در سطح ملی و بین المللی است و حضور و نقش او در عدالت کیفری از اهمیت شایانی برخوردار می باشد، چنان که حق بهره مندی از وکیل مدافع از سوی سیاست گذاران جنایی ملی و بین المللی، به عنوان یکی از حقوق بنیادین طرفین درگیر پرونده کیفری اعم از متهم، و شخص بزه دیده به رسمیت شناخته گردیده است (هاشمی، حقوق بشر و آزادی های اساسی، ۱۳۸۴ ص ۳۰۷). فرض بی گناهی که در زمره مهمترین حق های بنیادین حقوق بشر و شهروندی است که بر رعایت حیثیت و کرامت ذاتی انسان استوار می باشد، از جمله مبانی حق بهره مندی وکیل در فرآیند دادرسی کیفری است. از آنجا که دلایل و امارات تحصیلی در جریان تحقیقات مقدماتی علیه شخص متهم،

^۷-ماده ۵ «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود»
^۸-ماده ۱۹۷ «متهم می تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می شود»

مغایر با فرض بی گناهی متهم می باشد و آن را نقض می کند، ممکن است در صورت عدم مداخله وکیل، فرض بی گناهی از سوی ضابطین دادگستری و مقامات قضایی در خصوص اتهامات انتسابی به متهم نادیده گرفته شود. از طرفی تضمین و صیانت از دادرسی عادلانه، مبنای دیگری در خصوص حضور مداخله وکیل مدافع در فرآیند دادرسی است. حق برخورداری از دادرسی عادلانه از جمله معیارهای حقوق بشری می باشد که در جهت تأمین و حمایت از حقوق و آزادی بنیادین افراد و حفاظت از آنها در برابر هرگونه محدودیت و یا سلب غیرقانونی و خودسرانه از سوی کارگزاران عدالت کیفری مورد توجه قرار گرفته است. در پرتو این حق، همه حقوق متهم در بعد شکلی و آیین دادرسی مورد حمایت و تضمین می باشد که از جمله آنها، حق برخورداری از وکیل مدافع می باشد. به تعبیر دیگر، رسیدگی عادلانه که از رویه های مختلف و مناسبی شکل گرفته، ریشه تضمین حقوق و آزادی متهم و خصوصاً حق برخورداری از وکیل در فرآیند رسیدگی کیفری می باشد (خامسی پور، فرسیما و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۲۸). وفق بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت نموده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند. درسیاست تقنینی ایران و با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، حق برخورداری از وکیل با شروع تحت نظر قرار گرفتن متهم در ماده ۴۸ به رسمیت شناخته شده است و ضابطین دادگستری وفق ماده ۵۲ همان قانون مکلف هستند که متهم را از حق داشتن وکیل مطلع نمایند. صرف نظر از پیش بینی حق داشتن وکیل از سوی متهم از شروع به تحت نظر گرفتن، محروم نمودن متهم از حق انتخاب آزادانه وکیل در تبصره ماده ۴۸ قید گردیده است. تبصره مشعر می دارد « در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون می باشد، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید رئیس قوه قضاییه است، انتخاب نمایند».

نتیجه گیری

نقش ضابطان دادگستری در مجموعه نهاد پلیس به عنوان تأمین کننده نظم و امنیت جامعه در معیت نهاد قضایی به عنوان ضابط قوه قضاییه بر کسی پوشیده نیست و این مدعا در وظایف آنها در قوانین کیفری موضوعه کشور کاملاً تبیین شده است. ضابطان دادگستری بنا به اختیارات قانونی مکلف هستند برابر قوانین و مقررات و در اجرای دستورات مقام قضایی عمل نمایند بنحویکه این برقراری نظم و امنیت خود ممکن است محدود کننده حقوق و آزادی

های افراد تلقی گردد. متهم و حقوق او همواره از مهمترین مباحث مربوط به آیین دادرسی کیفری می باشد که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به نحو قابل توجهی مورد تاکید و حمایت قانونگذار قرار گرفته است و در فصل دوم بخش دوم قانون مذکور و در قالب مواد ۲۸ تا ۶۳ ضابطین دادگستری و تکالیف آنها و کلیه موضوعات مرتبط با آنها مورد شرح و تبیین قرار گرفته است. در مواد مذکور ضابطین دادگستری و انواع آنها و شرایط ضابطیت مورد اشاره و توجه قانونگذار قرار گرفته و در در قالب جرایم مشهود و غیر مشهود وظایف و اختیارات و تکالیف ضابطین دادگستری نسبت به آنها مورد شرح و بررسی قرار گرفته است. رعایت حقوق متهم و به صورت کلی حقوق شهروندی اشخاص از سوی ضابطین دادگستری که پس از ارتکاب جرم و به عنوان اولین کارگزاران عدالت کیفری و علل الخصوص در جرایم مشهود به صورت مستقیم با آنها مواجهه می باشند به نحو قابل توجهی مورد توجه و تاکید قانونگذار قرار گرفته است.

نکته پایانی این که قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در پی وضع قانون مطلوب و مناسب و تا حد امکان کاملی بوده، چرا که قانون مذکور بسیاری از مشکلاتی را که قبلاً در قوانین قبلی و در عمل وجود داشته را مرتفع نموده است و این خود یکی از مزایای قانون فوق الذکر به شمار می آید. و در یک تحلیل کلی قانون آیین دادرسی کیفری وضع شده در خصوص ضابطین دادگستری و کلیه موضوعات مرتبط با آن تغییرات شگرفی داشته و به سمت و سوی حفظ و صیانت حقوق شهروندی و رعایت حقوق متهم پیش رفته است.

- آ ۱. خوندی، محمود، ۱۳۶۸ " آیین دادرسی کیفری " جلد دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول
- ا ۲. ردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۵، تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳
- آ ۳. شوری، محمد و بهمنی، محمد علی، ۱۳۸۷، رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره سوم
- آ ۴. قایی جنت مکان، ۱۳۹۶، حسین، حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه، انتشارات جنگل، چاپ اول
- ب ۵. اهری، محمد، ۱۳۸۱، حقوق جزای عمومی، چاپ اول
- ت ۶. وجهی، عبدالعلی، و دهقانی، علی، ۱۳۹۲ در جدال امنیت گرای و موازین دادرسی منصفانه، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ش ۳،
- ج ۷. عفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۳، " ترمینولوژی حقوق "، تهران، بنیاد و اسناد
- ح ۸. القی، علی، آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۸، جلد اول، انتشارات شهردانش، چاپ سی و نهم
- خ ۹. خامسی پور، فرسیما و دیگران، ۱۳۹۷، مبانی نظری و تاریخی تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع در آیین دادرسی کیفری بین المللی، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، سال نهم، شماره سی و چهارم، بهار
- ط ۱۰. انلری المشیری، محمد، ۱۳۹۱، جرایم مشهود و غیر مشهود در حقوق کیفری ایران، انتشارات فکر سازان، چاپ اول
- س ۱۱. اریخانی، عادل و اکرمی سراب، روح اله، ۱۳۹۱، مبانی حق بر اطلاعات، مجله حکومت اسلامی، سال ۱۷، شماره سوم
- ص ۱۲. انعی، پرویز، ۱۳۷۹، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم
- ع ۱۳. لی آل شکر، علی نامر، ۱۳۹۶، حقوق عام متهم در نظام های کیفری ایران و عراق با نگاهی به اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

- ع ۱۴. مید، حسن، ۱۳۸۲، فرهنگ فارسی عمید، چاپ بیست و هفتم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر
- ق ۱۵. اسمی مقدم، حسن، ۱۳۹۴، تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری، با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پژوهش نامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره دوم
- ک ۱۶. رمانی، شمس الدین، ۱۳۹۴، سیر حدود اختیارات پلیس ایران در مرحله تحقیقات مقدماتی در صد سال اخیر، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده علوم و فنون انتظامی
- گ ۱۷. لدوزیان، ایرج، ۱۳۷۷، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ اول
- لا ۱۸. رگیه، ژان، ۱۳۷۸، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل زاده، کتابخانه گنج دانش
- م ۱۹. ین یون وو، هیو، ۱۳۹۰، در آمدی بر سیاست جنایی توتالیتیر: جرم و مجازات در کره شمالی (با تأکید بر نقش پلیس)، ترجمه ترجمه حسین غلامی، فصلنامه علمی پیشگیری از جرم، شماره ۱۹
- ه ۲۰. اشمی، سید محمد، ۱۳۸۳، بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، موسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم شناسی، چاپ اول
۲۱. هاشمی، سید محمد، ۱۳۸۴، حقوق بشر و آزادی های اساسی، انتشارات میزان. چاپ اول

۲۲.

D
 urosaro, W. O. The Use of Torture in The War On Terror: (Should This Exceptional Measure Be Justified In Exceptional Times)? American Journal of Humanities and Social Sciences. ۲ (۲), ۲۰۱۴. P.۹۳, Luban, D. Liberalism, Torture and The Ticking Bomb. Virginia Law Review Association. ۹۱, ۲۰۰۵, p.p ۱۴۳۸-۱۴۴۰, Mayerfeld, J. In Defense Of The Absolute Prohibition Of Torture. Public Affairs Quarterly. ۲۲(۲), ۲۰۰۸, p.p ۱۲۵